

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۰ دسمبر ۲۰۱۲

## خیل کرکس- کرگس- و شکار زخمی

به جای درآمد سخن، نخست اندکی به ارتباط عنوان مطلب که کرکس باشد و شکار زخمی اش، توجه تان را به این بریده از ویکی پدیا جلب می نمایم:

**کرگس** [ها] یا **لاشخور** [ها] پرنده‌گانی هستند که بیشتر از **مردار** تغذیه می‌کنند. این پرنده یا پرنده‌های همخانواده با آن را در فارسی مرغ **مردارخوار**، **نژکاک**، **دال** و **لاشخور** نیز نامیده‌اند.

کرکس‌ها در همه قاره‌ها یافت می‌شوند به‌جز در **اقیانوسیه** و **جنوبگان**.

از ویژگی‌های کرکس‌ها سر بی‌پیر و تاس آن‌ها است. ویژگی دیگر آن‌ها این است که برخلاف بیشتر پرنده‌گان دیگر، آن‌ها آشیانه نمی‌سازند.<sup>[۱]</sup> کرکس‌ها به تیزپروازی، دوربینی و درازی عمر معروفند.

کرکس دارای **منقار** قوی برگشته و گردن و سر سخت و بال‌های پهن بزرگ می‌باشد. در نواحی کوهستانی زندگی می‌نماید و بیشتر از لاشه تغذیه می‌کند. هنگام پرواز گسترش بال‌های کرکس بالغ بر سه متر می‌شود. پنجه‌های کرکس خلاف منقار پر قدرتش نسبتاً ضعیف است به طوری که به وسیله پنجه‌هایش قادر نیست جز **طعمه‌های** بسیار کوچک را نگهداری کند و به همین جهت است که بیشتر از **لاشه** حیوانات دیگر تغذیه می‌کند. **پرواز** وی نسبتاً آهسته ولی دارای **اوج** است و در مدت طولانی صورت می‌گیرد. قدرت دید این پرنده بسیار زیاد است به گونه‌ای که از فاصله‌های دور طعمه‌های کوچک را به خوبی می‌بیند و کوچکترین حرکت از دیدش پنهان نمی‌ماند.<sup>[۲]</sup>

کرکس‌ها به‌ندرت به حیوانات تندرست حمله می‌کنند ولی ممکن است حیوانی زخمی یا بیمار را بکشند. در زمان جنگ‌ها بر فراز نبردگاه‌ها شمار زیادی کرکس دیده شده‌است. کرکس‌ها حیواناتی سودمند برای جلوگیری از گندیدگی و عفونت‌زائی مردارها هستند به ویژه در مناطق گرمسیر.<sup>[۳]</sup> ویکی پدیا

از چندی بدین سو در رسانه‌های استعماری و نواله خوران قلاده به گردن آن با نوعی احتیاط راجع به کنفرانس نیروهای درگیر در قضاایای افغانستان در پاریس زمزمه شده، اینک اعلام داشته اند که به تعداد ۲۰ تن از نمایندگان نیروهای مختلف درگیر در قضاایای افغانستان، به تاریخ ۱۹ دسمبر وارد پاریس شده، قرار است برای دو روز به ارتباط موضوع افغانستان در «۲۰۲۰» با هم مذاکره نمایند. قبل از آن که به محتوای این کنفرانس و هدف و یا هم اهداف اجلاس آن، نظری انداخته شود، از شما صمیمانه تقاضا دارم، تا به اسامی شرکت کنندگان در این کنفرانس با دقت کامل نظر ببندازید:

«محمد یونس قانونی به نمایندگی از ائتلاف ملی، احمد ضیا مسعود و فیض الله ذکی از جبهه ملی نمایندگی خواهند کرد. غیرت بهیر، معاون گلب الدین حکمتیار و داماد او، ریاست هیأت حزب اسلامی را به عهده خواهد داشت. ملا شهاب الدین دلاور و محمد نعیم وردک از دفتر طالبان در قطر، از گروه طالبان در این کنفرانس نمایندگی خواهند کرد.»

حنیف اتمر، از اعضای حزب حق و عدالت، فرخنده زهرا نادری و نیلوفر ابراهیمی نمایندگان زن از به اصطلاح مجلس شورای افغانستان از دیگر شرکت کنندگان این کنفرانس هستند. معصوم استانکزی، دبیر شورای عالی صلح، و حاجی دین محمد، مشاور رئیس جمهوری افغانستان نیز در این جلسه شرکت دارند. ب. ب. سی»

باز هم قبل از آن که به محتوا و هدف کنفرانس بپردازم، توجه تان را به تمویل کننده این کنفرانس پر هزینه، جلب می نمایم:

«گمیل گراند، رئیس بنیاد پژوهشی ستراتژیک فرانسه به بی بی سی فارسی گفت که این بنیاد به کمک دولت فرانسه حدود ۲۰ نماینده گروه های مختلف مطرح در افغانستان را به فرانسه دعوت کرده است تا در مورد وضعیت افغانستان در ۲۰۲۰ صحبت کنند. ب. ب. سی»

خوانندگان نهایت عزیز!

لطف نموده یک بار دیگر به میزبان کنفرانس و لست افراد شرکت کننده و نهاد هائی که از آن نمایندگی می نمایند، با دقت نظر بیندازید، تا به آنچه می اندیشم بدون آن که بیان دارم، به خوبی پی برده بتوانید، با آنهم:

بدون کمترین تردید، بنیادی که میزبانی این کنفرانس را به عهده دارد، یکی از سر های اژدهای هزار سر نهاد های استخباراتی امپریالیزم فرانسه است که در پیوند نزدیک و سازمان یافته با همتا های امریکائی، بریتانیائی، المانی، موساد اسرائیل، ده ها المخابرات العامه کشور های عربی، استخبارات روسیه، چین، ایران و پاکستان قرار داشته، اینک بر مبنای ملحوظاتی میزبانی از اعضای کنفرانس را به عهده دارد. نباید فراموش نمود که بدون چنین آشخوری، نمایندگان طالب و حزب اسلامی را کسی نمی توانست و نمی تواند به کشور های اروپائی دعوت نماید، چه نباید فراموش نمود که نمایندگان طالب، در به اصطلاح لیست سیاه ملل متحد قرار دارند.

و اما اعضای شرکت کننده، هرگاه دو خانمی را که با تأسف زیر عنوان آزادی و تساوی زنها، لکه ننگ میهن فروشی را به دامن زهای آزاده افغانستان می چسپانند، صرف به خاطر جنسیت شان در یک جامعه مرد سالار، از بقیه جدا نمائیم، چه کسی می تواند ادعا نماید که دست بقیه افراد شرکت کننده در کنفرانس تا مرفق به خون خلق افغانستان رنگین نیست؟؟

قانونی و احمد ضیاء مسعود(شورای نظار)؟؟، بهیر غیرت(حزب گلب الدین)؟؟، ملا شهاب الدین دلاور و محمد نعیم وردک(طالب)؟؟ حنیف اتمر(از اعضای برجسته خاد در دیروز و اینک عضو ام. آی. ۶ بریتانیا، معصوم استانکزی و حاجی دین محمد( نوکران آی. اس. آی و سگان زنجیری امپریالیزم جنایتگستر امریکا)؟؟ کدام یک از افراد بالا قاتل، جنایتکار و وطنفروش نبوده و یا نیست تا بتوان نسبت به دیگران نیز با اغماض برخورد نمود؟

خوانندگان نهایت عزیز، باز هم از شما تمنا می نمایم تا خود به مسأله غور نموده، در انتظارنگارش این قلم مباشید. چه وقتی که میزبان یک نهاد جاسوسی باشد و مهمانان همه جنایتکار و جاسوس چند جانبه، آیا می شود در آنجا مطلبی طرح گردد که منافع مردم افغانستان در آن نهفته باشد!!؟؟ آنهم در حالی که نه تنها هیچ کسی به نمایندگی و دفاع از مردم افغانستان در آنجا وجود ندارد، تا این خیل کرکسان را معرفی داشته، علیه تمام آنها به نمایندگی از مردم دربند و زجر کشیده افغانستان اقامه دعوا نماید، بلکه به گفته همکاران قلمی ما در فرانسه به بهانه مسایل امنیتی حتا نزدیک شدن

افراد عادی و یا هم رسانه های الترناتیو در آنجا فعلاً ممکن نیست تا حداقل مردم را در جریان روند واقعی کنفرانس قرار دهند، چه انتظاری می توان از چنین مجلسی داشت؟؟ مگر نه این است که چنین تجمع هائی که مبین آشکار وحدت نیروهای ضد مردمی بوده و جا دارد از آن بابت تمام آنهایی که با نفی چنین همبستگی و پیوند بین ارتجاع و امپریالیزم و مبارزه متقابل آنها را عمده ساختن، آب به آسیاب امپریالیزم و استعمار می ریختند، اگر ذره ای از شرافت انسانی- آگاهانه انقلابی نمی نویسم زیرا آنها را با انقلاب هیچ مناسبتی نیست- در آنها وجود داشته باشد؛ پا پیش نموده از مردم افغانستان به خاطر این فریبکاری بزرگ شان معذرت بخواهند؛ فقط می تواند حافظ منافع استعمار و نوکران زرین قلاده آنها باشد؟؟

و اما این که فرانسه چرا میزبانی خیل کرکسان را به عهده گرفته است، به مثابه تذکر شتابزده، در خطوط کلی خود می تواند بر دو عامل استوار باشد: یکی دور نمای کارش در افغانستان و دیگری در مجموع خاور میانه.

آن عده از خوانندگان عزیز می که با نوشته های این قلم آشنائی دارند، شاید به خاطر داشته باشند که در سلسله ناتمام "سی. آی. ای. در افغانستان" تذکر داده بودم که امپریالیزم جنایت گستر آمریکا، زمانی که نقشه حمله بر افغانستان را می خواست عملی نماید، به هریک از شرکای جنایتش، متناسب با خواستها، علایق و سهم گیری اش در نابودی افغانستان سهمی را چه در افغانستان و چه هم در سایر نقاط جهان اعطا نمود، در همانجا به صراحت تذکر داده بودم، که امپریالیزم آمریکا، برای فرانسه در سیاست های افریقائی اش دست باز قابل شده و به اصطلاح افریقا را به فرانسه بخشیده بود تا در ازای این بخشش، فرانسه از آمریکا جهت سرکوب خلق افغانستان، حمایت نماید.

جریان بیش از ۱۱ سال اشغالگری در افغانستان به وضاحت نشان داد، که دولت فرانسه با وجود تغییراتی که در حاکمیت آن به وقوع پیوست در انجام تعهدات و وظایفی که از طرف برادر بزرگتر برایش معین شده بود، کوچکترین غفلتی نکرده، نه تنها از نفوذ و توانائی های استخباراتی اش در درون "شورای نظار" حد اکثر استفاده را جهت تحکیم پایه های استعماری آمریکا نمود بلکه با همان قساوتی که خود آمریکا به کشتار مردم ما اشتغال داشت، آنها نیز با همان حدت، به سرکوب خلق ما پرداخته، در بین کشور های اروپائی اولین کشوری بودند که مهمات آلوده به اورانیوم علیه مردم ما استفاده نمودند- در این زمینه توجه تان را به آرشیف همکار گرامی ما آقای محوی در پورتال خودتان جلب می نمایم- خلاف این خدمت "صادقانه" دولت فرانسه برای امپریالیزم جنایت گستر آمریکا، دولت آمریکا با هر گامی که به گفته مردم خرس به آخر پل نزدیک می شود، بر تمام تعهدات خود پشت پا زده، نه تنها در افریقا به خصوص در تونس و لیبیا، بعد از سقوط دکتاتور های آنجا و نابودی کشور لیبیا، حاضر نیست کمترین سهمی برای فرانسه قایل شود بلکه به ارتباط افغانستان و خاور میانه نیز، هم در صورت تشدید خصومت ها تا سرکوب و سقوط رژیم اسد و هم در صورت عقب نشینی از آن دیار، حتا حاضر نیست همان نفوذ سنتی دولت فرانسه را نیز اذعان بدارد.

اذعان به نفوذ سنتی که جای خود را دارد، در صورت عقب نشینی، این دولت فرانسه است که باید به خاطر زندانی بودن بیش از ۱۹ تن از افسران در سوریه، پاسخگو باشد. چنین اوضاعی دولت فرانسه را وادار می سازد تا از طریق نهاد های استخباراتی خودش، وارد میدان شده، نگذارد تا در نهایت دست خالی بماند.

دولت فرانسه با اطلاع از این که در مسأله سوریه، القاعده دست درازی داشته و آن سازمان حاضر است تا ده ها ملا عمر را فدای آنجا نماید، و این را هم می داند که طالب بدون حمایت همه جانبه القاعده عمری کوتاهتر از یک حباب را خواهد داشت، این جلسه را در پاریس برگزار می نماید تا به طالب بفهماند که هرگاه حاضر نباشد دست برداری و اخوت اسلامی شورای نظار و نهاد های مشابه و برخاسته از آن را در افغانستان بفشارد، آن دولت نیز به تاسی از شرکای امپریالیستی اش آنها را در مقابل رژیم اسد تنها خواهد گذاشت، امری که پذیرش آن هر قدر هم برای طالب

دشوار باشد، به خاطر خواست و اراده القاعده ناگزیر است بدان تمکین نماید، در غیر آن ملا عمر باید آمادگی تقابل با القاعده را نیز گرفته، در واقع به استقبال مرگ برود.

به همین سان در مناسبات خاور میانه به خصوص سوریه و لبنان، که فرانسه حاضر نیست به آسانی از آنها دست بکشد، این مانور سیاسی دولت آنکشور در واقع به امریکا می فهماند که بر مبنای نفوذ سنتی اش در منطقه حاضر نیست به همان سادگی لیبیا از بازی کنار گذاشته شود، و هرگاه امریکا حاضر نباشد در این نقطه منافعش را به رسمیت بشناسد، با نزدیک ساختن، طالب و رقبای قدرتش در وجود شورای نظار و متحدین آن، باید در زمستان افغانستان لباس ها گرمتری را تدارک ببیند.

خوانندگان نهایت عزیز، هرگاه بخواهیم از تحلیل های بالا به کشور جنگزده و ویران خود برگردیم، آیا می توانید حدس بزنید که با وحدت کرکسان چه سرنوشتی در انتظار کشور و مردم ماست؟؟ وقتی آنها هریک به تنهایی افغانستان را به ویرانه عصر حاضر تبدیل نمودند، می توانید حدس بزنید که وقتی بخواهند دسته جمعی به جان مردم ما و کشور خونین پیکر ما بیفتند، چه به روز گار مردم آمده و سرنوشت کشور ما به کجا خواهد کشید؟؟ این را هم فراموش ننمائید که آن وحدت خیل کرکسان از حمایت کامل امپریالیزم نیز برخوردار خواهد بود و سرخاب دموکراسی بازی و حقوق بشر نیز دیگر وجود نخواهد داشت.

اگر باز هم قادر نیستید، آینده کشور ما را در وحدت خیل کرکسان پیشبینی نمائید، از شما خواهش می کنم با همین انترنیتی که مقاله این قلم را تا اینجا خوانده اید، لطف نموده یک بار به سرنوشت آن لاشه ای که از منقار خونین کرکسان باقی می ماند، نظر بیندازید، تا هم سرنوشت خود ما را بتوانید تصور نمائید و هم از کشور محبوب ما را! و هرگاه نمی خواهیم که به آن سرنوشت نه خود ما دچار گردیم و نه هم کشور ما، پس عزم را جزم و مشت ها را گره نموده، کمر همت را باید برای نبرد های طولانی و دوامداری بعدی علیه تمام دشمنان مردم، بست.